رفتارهاي حمايتي و دلائل بروز آن‌ها

علي شكوري*

اين مطالعه ماهيت رفتار هاي حمايتي، عوامل و انگيزه ها و همچنين جهت آن‌ها را با استفاده از روش ميداني در ش ش استان كشور مورد بررسي قرار مي دهد. فرض شده كه اين رفتارها تحت تاثير پيش‌شرط‌هاي اجتماعي و روان‌شناختي است و تفاوت هاي شناختي، شخصيتي و مادي (اقتصادي) به‌همراه محيط‌هاي اجتماعي از قبيل نهادهاي اجتماعي، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز آن‌ها موثر است.

اين مقاله نتيجه مي‌گيرد كه متغيرهايي چون "آگاهي و اطمينان از مشكلات مردم و شرايط فقر و نيازمندي جامعه "، "اعتقاد به موثر بودن كمك ها در رفع مشكلات ديگران " و "عدم وجود جايگزين ديگر ب ه جز كمك خود پاسخگويان"، "باور به عدم (توان) سازمان‌هاي حمايتي فعال در امور حمايتي براي رفع نيازمندي" و "توان عيني (اقتصادي) پاسخگويان براي كمك" و همچنين "موقعيت‌ها و وضعيت‌هاي محرك احساسات و عواطف " بيشترين

* دكتراي جامعه شناسي، عضو هيأت علمي دانشگاه تهران
>Shakoori@ac.ut.ir<

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تاثير را در بروز رفتارهاي حمايتي جامع ة آماري مورد مطالعه دارند. در عوض، متغيرهاي فردي چون جنس، تأهل و سن در رفتارهاي حمايتي پاسخگويان تاثير زياد و تعيين كننده‌اي ندارند . رفتارهاي مورد بررسي، داراي ماهيتي ا رادي و داوطلبانه هستند كه با انگيزه هاي نوع دوستانه با خصايص ايثارگرانه و خالصانه رخ مي‌دهند و در مناطق توسعه‌يافته‌تر گرايش به عام گرايي، يعني با انگيزة كمك به انسان به صورت صادقانه و به مفهوم عام كلمه (نه انسان هم‌كيش، خويشاوند و هم‌قوم و امثالهم) صورت مي‌گيرد.

كليد واژه‌ها: حمايت، دگرخواهي، عام‌گرايي، كنش مشاركتي، نوع‌دوستي

تاريخ دريافت مقاله: 83/11/5 تاريخ پذيرش مقاله: 84/5/15

مقدمه

هدف اين مقاله بررسي رفتار هاي حمايتي، عوامل و انگيزه‌ها و همچنين جهت آن‌ها است. اين نوع رفتارها در قالب كنش هاي مشاركتيِ دگرخواهانة افراد مطرح مي شود كه بخش عمده اي از آن‌ها در اعمال نوع دوستانه از قبيل كمك به مستمندان و حمايت از ديگرانِ نيازمند، نمود عيني پيدا مي‌كند.

به طوركلي بررسي كنش هاي دگرخواهان ة افراد،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

يكي از موضوعات عمده اي بوده كه توجه صاحبنظران علوم اجتماعي، سي استگذاران و برنامه ريزان را به‌خود مشغول داشته است. اين عنايت از چند بعد مهم بوده است.

نخست، ارزش بالنفسة اين نوع تعاملات انساني و به‌ويژه اثراتي است كه آن‌ها بر مناسبات ارزشمند انساني بر جاي مي گذارند. از آن‌جا كه رفتارهاي نوع‌دوستانه، مناسبات تعاوني ا صيل را در جامعه گسترش مي دهند، از اين رو شرايط عيني را براي افزايش مودت اجتماعي و كاهش محروميت اجتماعي فراهم مي‌نمايند. گفته مي شود كه به هر اندازه روابط همياري و امدادرساني داوطلبانه در زمنيه‌هاي مادي (كمك اقتصادي)، عاطفي (همدردي)، معرفتي (راهنمايي مشاوره و آموزه هاي اجتماعي و مذهبي) و منزلتي (اعادة عزت نفس انساني) بالا باشد به همان ميزان، نابرابري اجتماعي و عزلت گزيني و ساير اختلالات اجتماعي كاهش مي يابد. (چلبي، 1375)

دوم، به دليل كاركردها و الزاماتي كه كنش هاي مشاركتي از جمله رفتارهاي حمايتي براي ايجاد و دوام نظم اجتماعي در پي دارند. به‌زعم برخي علماي اجتماعي از جمله الستر (1990)، از آن‌جا كه ايجاد اين نوع رفتارها در سطح خرد نظام اجتماعي، مستلزم حداقل همفكري، درك مشترك، همدلي متقابل،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

احساس تعلق مشترك و ارزشيابي مشترك است، كه ريشه در نفع مشترك و نيازهاي عا م انساني داشته و تامين اين نيازها نيز تنها با تشريك مساعي بين كنشگران ميسر است، لذا بروز آن‌ها عملا به توليد مازاد تعاوني (Cooperative Surplus) مي‌انجامند، مازادي كه در صورت ايجاد و توسعة آن سبب تقويت اعتماد، انسجام و نظم اجتماعي مي‌شود. (چلبي، 1375: 20-21)

در سطح كلان نظام اجتماعي نيز، از آن جا كه رفتارهاي حمايتي نوعي تعامل با (و يا براي) ديگران را مطرح مي‌كند، اسباب تعريض حوزة اخلاقي، تعميم وابستگي عاطفي افراد و تعميم تعهد دروني افراد به ديگران را فراهم مي‌كند و امكان ادخال اجتماعي را، كه براي انسجام اجتماعي ضروري است، تسهيل مي‌كند. اين موضوع، به ويژه براي جوامع معاصري كه فرآيند تفكيك‌پذيري (Differentiation) را طي كرده‌اند، اهميت خاص پيدا مي‌كند. در واقع، نظم اجتماعي معاصر بيش از همه نيازمند مناسبات عاطفي بسط يافته‌اي است كه بر تعهد تعميم يافته و عام گرايي مبتني باشد. به‌دليل اين‌كه روابط عاطفي داراي بعد اظهاري و حامل ارزش دروني و داراي خصلت پيوند دهندگي است، از اين رو، سنگ بنا و عامل بقاء اجتماع و يا گروه اجتماعي است. (همان)

سوم، رفتارهاي حمايتي، ويژگي عام تمام جوامع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

درطول تاريخ اعم از سنتي و جديد بوده، و وجود نهادهاي خيريه اي و تكامل آن‌ها چه در سطح ملي و چه بين‌المللي گوياي اين حقيقت است، ولي نكت ة حائز اهميت اين‌كه، ميزان مشاركت امور حمايتي بر حسب افراد، گروه هاي مختلف و جوامع گوناگون نيز متفاوت است و اين امور به يكسان افراد را متوجه خود نمي سازد. نكتة مهم‌تر اين كه، همزمان با تحولات جوامع از شكل سنتي به مدرن، گرايشات مربوط به رفتارهاي نوع‌دوستانه افراد نيز تغيير كرده است و در مواقعي حتي جوامع با فقدان علاقه و بي‌ميلي تعداد قابل توجهي از آن‌ها به امور اجتماعي و روندهاي آن مواجه بوده است.

جامع ة ما ب ه دليل ويژگي هاي خاص (مذهبي، شعائري، ملي، ارزشي و غيره) داراي پتانسيل بيشتري در زمين‌ة همياري و كمك به همنوع بوده كه به‌صورت سازمان يافته يا نيمه سازمان‌يافته و گاه در قالب تشكل هاي محلي، ملي، مذهبي (مستقل از نظام رسمي مانند كمك هاي دولت و سازمان هاي بين‌المللي) در حمايت از همنوعان نقش ايفا كرده است، ولي بررسي ها و اذعانات مسئولان و دست‌اندكاران امور حمايتي نشان مي دهد كه، اولاً كنش‌هاي حمايتي از يك روند منظمي پيروي نكرده است؛ ثانياً ، هنوز تا بهره گيري مطلوب و بهينه از ظرفيت هاي حمايتي موجود در جامعه،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فاصله وجود دارد. (شكوري، 1382؛ كميته امداد امام، 1382) به‌علاوه، علي‌رغم اهميت كمك به همنوع و سابقة طولاني اين نوع كنش‌ها در جوامع مختلف از جمله جامعة ما، كمتر به‌صورت تجربي اين رفتارها و عوامل و انگيزه هاي موثر در آن‌ها مورد كاوش قرار گرفته است. اين نوشته تلاشي است براي بررسي اين موضوعات. به‌عبارتي، ما در اين بررسي به دنبال آن ايم كه دريابيم اين رفتارها داراي چه ماهيت و جهت گيري‌اي مي‌باشند؟ و متاثر از چه عوامل و انگيزه‌هايي هستند؟

به‌طوركلي، مباحث در سه بخش ارائه مي شود. در بخش نخست، مباحث نظري كه موضوع مورد مطالعه را از زواياي مختلف تبيين كرده اند، مرور مي شود و پاسخ‌هاي نظري در مورد ماهيت رفتارهاي حمايتي ارائه و ارزيابي مي شود؛ در بخش دوم، به روش شناسي پرداخته مي‌شود؛ در بخش سوم، نتايج بررسي ميداني مورد بحث قرار مي گيرد؛ و در بخش آخر، مباحث جمع‌بندي مي‌شود.

1) ملاحظات نظري

تعابير مختلفي در ارتباط با طبيعت رفتارهاي افراد در خصوص اقدامات خيرخواهانه هست. برخي تعابير، به آن‌ها به‌عنوان انگيزه و حالتي ذهني نگريسته اند و برخي ديگر، به آن‌ها به‌عنوان تظاهرات رفتاري نگاه كرده اند و آن‌ها را يك

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

پيامد ذهني كسب شده تعبير نموده اند. اين تعابير دوگانه، نقطة آغازين تفاوت تمايز روش‌شناختي بين طرفداران اصالت فرد و طرفدارا ن اصالت جمع مي‌باشد كه در تبيين رفتارهاي افراد ، طيفي را تشكيل مي دهند كه در يك سو، تاكيد بر جنبه هاي فردي و شخصيتي (زيستي، روان شناختي) و در سوي‌ديگر، تاكيد به جنبه هاي فرافردي (جامعه‌شناختي) قرار دارند.

بر اساس رويكرد رفتاري، دگرخواهي صرفاً به عقايد واقعي ارائه كنندگان كمك توجه مي كند. از اين منظر، كنش خيرخواهانه بر اساس پيامد هايش سنجيده مي‌شود. اگر نتايج بتواند تا حدي نيازهاي ديگران را برآورده كند يا به آن‌ها كمك كند تا چيزهايي ديگر را ب ه‌دست آورند ، اين ب ه‌عنوان دگرخواهي انسان‌گرايانه تلقي مي‌شود. برخي بر اين باورند نوع دوستي عنصر فداكاري را در كنه خود دارد، اما واضح است در رفتار كمك رساني به ديگران بيش از عنصر فداكاري، خود مسئوليتي و دغدغة خاطر براي ديگران مطرح م ي‌شود اين عناصر هنجارهاي اجتماعي را در جامعه منعكس مي سازند و فرض بر اين است كه اين نوع رفتارها براي ارتباط و پيوند ضروري مي‌باشد. (Page, 1996:11)

برخي از علما به ويژگي ذاتي و فطري بودن نوع‌دوستي تأكيد دارند كه در طي فرآيند رشد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

افراد، روند تكاملي خود را طي كرده است. انسان در اجتماع و در زندگي اجتماعي شانس بيشتري براي ادامة حيات پيدا مي‌كند؛ يعني همكاري و مشاركت با يكديگر به افراد اجتماع بخت بهتري براي بقاء به‌دست مي‌دهد (Campell,1988). نكتة اتكاء هواداران اين نظريه، اعمال نوع دوستي كودكان در دو سال اول زندگي خود مانند غذا دادن به ديگران و امثالهم مي‌باشد كه در طي زندگي تكامل مي‌يابد.

در مقابل فطري‌گرايان، عده‌اي بر خصلت اكتسابي نوع‌دوستي از طريق مشاهده اعمال نوع دوستانه و امدادگرانة ديگران اشاره مي‌كنند (Ferrier, 1970). تقليد رفتار والدين خصوصا رفتارهاي اهداء كمك به نيازمندان و يا تشويق كودكان در هنگام كمك به والدين، در وهلة نخست نقش مهمي در تكرار رفتار كمك‌رساني افراد در بزرگسالي دارد. در اين بين، برخي نيز اظهار داشتند اين نوع رفتارها ذاتي است ولي يادگيري در ميزان آن‌ها تأثير بسزايي دارد.

در كنار نظريات فوق، نظريات "بيولوژيكي" و "بيولوژيكي ـ اجتماعي" قرار دارند. بر اساس نظرية بيولوژيكي، اساس هستي بر بقاء ژن‌ها استوار است. اين ژن‌ها هستند كه ما را به سوي شرايطي از جمله رفتارهاي انسان دوستانه هدايت مي‌كنند كه در آن شرايط بيشترين شانس را براي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بقاء در جهان داريم . آن‌ها مردم را براي ادام ة حيات آماده مي‌سازند تا درست عمل كنند و توانمند باشند و در صورتي كه ضعيف باشند از حركت باز مي‌ايستند (Myers, 1988) . قابل ذكر است هرگز مكانيزم و يا مكانيزم‌هايي كه باعث مي‌شود ژن‌ها عامل بروز رفتارهاي نوع‌دوستي بشوند مشخص نشده است. با اين حال ژن ها در بروز ويژگي هاي تمام افراد يك خانواده، يا فاميل مهم اند و هر يك از آن‌ها به نوعي از نظر ژني مشابه هستند. ارتباط ژنتيك يكي از عواملي است كه سبب مي شود خويشاوندان از هم حمايت كنند. مكمل اين نظريۀ ژنتيك، نظريۀ زيستي - اجتماعي است كه به عوا مل اجتماعي نيز در تبيين رفتارهاي نوع دوستانه بهاء مي دهد. مطابق اين نظريه افراد مشابه به لحاظ زيستي ـ اجتماعي داراي رفتارهاي نوع دوستانه بيشتري به يكديگر خواهند بود. ابتدا به افراد خانواده و سپس به دوستان و نزديكان ديگر كمك مي‌شود. اساساً در اين نظريه نفع متقابل را مي توان مطرح كرد كه در خويشاوندان و نزديكان ، احتمال كمك اعضاء به يكديگر بيشتر است . هرچند ديدگاه هاي بيولوژيكي يا زيستي ـ بيولوژيكي در امداد رساني جايگاه مهمي را دارا هستند (Campell,1988) ، ولي قادر به تبيين جامع رفتارهاي كمك رساني نيستند . براي اين‌كه متغيرهاي ديگري هستند كه نقش بسزايي در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كمك متقابل ايفاء مي كنند كه قابل تأويل به مسايل ژنتيكي نيستند، مانند قوانين اخلاقي، مذهب و دين مشترك، و غيره. به علاوه، لزوما افراد به هم‌ژنها و اقوام كمك نمي‌كنند.

به‌زعم تئوري‌پردازان مكتب مبادله، بسياري از رفتاره‌اي انساني از جمله اعمال خيرخواهانه در چارچوب مبادلات انساني قابل تبيين هستند. همان طوري كه در روابط بين انسان ها ماديات رد و بدل مي‌شوند فرآيندهايي نظير دوستي‌ها و علايق اجتماعي نيز با يكديگر مبادله مي شوند (Myers, 1988). اين تئوري‌پردازان با توجه به چارچوب تئوريكي اين مكتب، به كسب بيشتر پاداش (Reward) در مقابل كمترين هزينه (Cost) اشاره مي‌كنند و معتقدند كه انسان‌ها سعي مي كنند در مناسبات خود پاداش بيشتري يعني بيش از آن‌چه هديه مي‌كنند را به‌دست آورند. در واقع، چنين انگيزه اي آن‌ها را بسوي كمك به ديگران سوق مي دهد. برخي از علماي اجتماعي مبادلات مذكور را در چارچوب مبادلة نامتقارن و مبادلة متقارن گرم مورد بحث قرار مي‌دهند. مبادلة نامتقارن، انتشاري و عاطفي است. در اين مبادله طرفين نسبت به يكديگر احساس مثبت دارند. ايثار، ياري دگرخواهانه، بخشش يا به تعبيري "هديه" ناب از مظاهر برجستة اين نوع مبادله محسوب مي‌شوند كه در آن ها، غالبا انتظار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جبران يا برگشت از طرف مقابل وجود ندارد. برگشت تنها از نوع نفع جانشيني و يا رضايت جانشيني است كه در مقولات ايثار و فداكاري تبلور مي يابد و در گروه هاي اولية (دوستي، همسايگي و خانواده) يا جوامع نسبتاً مساوات طلب كه تمايزپذيري اجتماعي و اقتصادي را تجربه نكرده اند قابل مشاهده است (چلبي، 1375: 128). در مبادلة متقارن گرم، رفاه و نفع طرفين مورد توجه طرفين است. طرفين به سعادت و رفاه حال يكديگر علاقه دارند (همان). منشأ اين احترام متقابل و ت وجه به حال ديگري و يا يكديگر در همفكري، همدلي و اعتماد، انگيزه هاي نوع دوستي صادقانه و حقيقي است (Baron Byrne, 1987). اين نوع مبادله را بيشتر در جوامع تفكيك يافتة مدرن معاصر مي توان ملاحظه نمود. تفكيك هاي دو گانه نقط ة عزيمتي براي تحليل هاي جامعه‌شناختي رفتار دگرخواهانه است. اين تحليل‌ها سعي كردند برخي از خلاء هاي موجود در تحليل هاي بيولوژيكي، روان شناسي و روان شناسي اجتماعي را از طريق طرح مفاهيمي چون هنجارهاي اجتماعي، مسئوليت اجتماعي، هويت جمعي، ارزش هاي اجتماعي، مسئوليت شهروندي و... پركنند.

به نظر مايرز (1960)، هم ة اجزاء كلي رمزهاي اخلاقي (Moral Codes) ريشه در هنجارهاي متقابل دارد. اين هنجارها كلي و عام هستند و همه آن را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مي‌پذيرند. با توجه به اين ديدگاه كمك رساني به همنوع يك هنجار اجتماعي است و افراد بر اساس قرار داد اجتماعي به همديگر كمك مي كنند (Myers, 1988). هنجارهاي مسئوليت اجتماعي در خصوص كمك‌رساني غالبا با اين موضوع مرتبط است كه موقعيت نامساعد، ناشي از شرايط يا عواملي است كه خارج از كنترل و اختيار مددجو است و افراد نيازمند، بر اساس آگاهي و شناخت باعث بروز مشكلات نشده اند. (Monroe, 1991)

برخي تحليل‌هاي جامعه‌شناختي به اهداف وسيع‌تر و انتزاعي‌تر اشاره مي‌كنند. براساس آن‌ها، كمك‌رساني و رفتار نوع‌دوستانه يك ارزش نمادين تلقي مي‌شود و از آن‌جا كه نوع دوستي به‌عنوان منبعي براي اتكاء مردم در جامعه ب ه‌شمار مي‌رود بالنفسه يك ارزش اجتماعي است. ارزش‌هاي نيكوخواهانه بنيان‌هاي رفتاري را شكل مي‌دهند كه دوستي و الفت را ميان شهروندان تقويت مي كند. شهروند به نوب ة خود، مسئوليت اخلاقي احساس مي كند و متعهد به ارتقاء خير مشترك (همگاني) است، بدين ترتيب كل روابط اجتماعي را تحت‌تأثير قرار مي‌دهد (Miller, 1992: 26). اين نوع‌دوستي‌ها بُعد عاطفي مورد نياز را براي تشكيل هويت‌هاي جمعي تقويت مي‌كند كه به نوبة خود زمينة گسترش رفتارهاي انسان‌گرايانه مي‌شود كه مبتني بر منافع عام و نه مبتني بر تشكل‌هاي درون گروهي (از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قبيل خويشاوندي، قومي) است (Zokaei, 1999: 18-20). اين تفاسير رفتارهاي نيكو خواهانه را با مفهوم شهروندي (Citizenship) و سرماية اجتماعي (Social Capital) مرتبط مي‌كند. بر اساس نظرية شهروندي رفتارهاي نوع‌دوستانه بيشتر مبتني بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر مي گيرند، بلكه از عضويت در اجتماع وسيع تر آگاهند. جامعة نوين مركز تعاملات روابط ارگاني كي به مفهوم دوركيمي است. در عين حال نوع‌دوستي، شهروندان را به داشتن روابط با ديگر اعضاء سوق مي دهد و رفتار دگردوستانه شخصيت افراد را از حالت بسته خارج مي‌كند و آن‌ها را به عنوان اعضاي انتزاعي جامعه تغيير مي‌دهد كه فراتر از وابستگان نزديك است.

از آن‌جا كه اعمال نوع‌دوستانة آدم‌ها در ارتباط با ديگران و براي آنان رخ مي دهد نوعي كنش مشاركتي است كه لزوما نه تحت‌تاثير جبرهاي زيستي است و نه اجتماعي، و نه بدون هدف و اراده و آگاهي افراد صورت مي‌گيرد، بلكه هم به لحاظ نيت و هم به لحاظ پيآم د هدف‌مند است؛ لذا جنبه هاي فردگرايانه و جنبه هاي جمع گرايانه در شكل گيري كنش‌هاي انساني به يك اندازه مهم هستند . از اين‌رو، براي اجتناب از مغالطه‌هاي روشناختي و با الهام از سنت پارسونزي در تفسير كنش انساني مي‌توان به يك ديدگاه تلفيقي، كه مبتني بر تركيب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ديدگاه‌هاي تقابلي (Dichotomous) است، دست يافت. در اين چهارچوب، نظريات و الگوهاي مختلفي ارائه شده است. از مهم‌ترين آن‌ها، مدل آيزن و فيش بين (Fishbein Ajzen, 1975) است كه مبتني بر نظري ة كنش مدلل(Reasoned Action) مي‌باشد. به‌نظر اين علما، رفتارها در پي زنجيره اي از عوامل به وجود مي‌آيند و حلق ة ماقبل بروز رفتار، قصد و نيت براي انجام آن است "نيات"، تابعي از گرايش (Attitude) به‌سوي رفتار و هنجارهاي ذهني (Subjective Norms) مي‌باشند. مطابق با اين نظريه، رفتار افراد مبتني بر دلايلي است كه آن‌ها براي نتايج اعمال خود دارند و در نتيجه آن‌ها به انتخاب منطقي (Rational Choice) دست مي‌زنند. عناصر اين نظريه متشكل از دو بخش شخصي و اجتماعي است. عنصر شخصي گرايش فرد است كه خود تحتتأثير دو متغير انتظار فايده و ارزيابي فايده است. بخش اجتماعي شامل هنجار ذهني و بيانگر نفوذ و فشار اجتماعي است و متأثر از دو متغير انتظار ديگران، به‌خصوص ديگران مهم، و نيز انگيزه يا پيروي از انتظارات ديگران است. اين افراد يا گروه ها نقش الگو را براي رفتار افراد ايفاء مي‌كنند. (رفيع‌پور، 1368: 11-8)

مدل انتظار و فايده به وسيلة رابرت دال (1362:31-34) در چ ارچوب قضايايي بسط داده شده كه برخي از آن‌ها در ارتباط با كنش مشاركتي حمايتي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

يا رفتارهاي انسان‌دوستانه الهام‌بخش است. به نظر وي فرد موقعي در امري مشاركت مي‌كند كه:

ـ پاداش‌هاي (مادي و غيرمادي) حاصل از مشاركت براي وي از ارزش بالايي برخوردار باشد و با هنجارها و ارزش هاي فرهنگي، اجتماعي و مذهبي منطبق باشد؛ مثلاً اگر مردم در ارزشيابي هاي خود به اين نتيجه برسند كه از طريق كمك به فقرا نتايج چنداني عايد نخواهد شد يا اعتقاد به اين امر نداشته باشند، آن‌ها حاضر نخواهند بود حمايت از فقرا را از آن طريق دنبال كنند.

ـ مكانيزم مشاركت را در نيل به هدف در مقايسه با ساير مكانيزم ها موثرتر ارزيابي كند و به نتيجه برسد. در غير اين‌صورت تمايل چنداني در مشاركت در امور اجتماعي نخواهد داشت؛ مثلاً در حمايت از فقراي جامعه، اگر شخصي مكانيزم كمك به نيازمندان همنوع را بهتر از مكانيزم هاي ديگر براي كاهش محروميت و آلام ديگران تلقي كند تمايل بيشتري براي كنش مشاركتي خيرخواهانه خواهد داشت.

ـ فرد از دانش و مهارت كافي برخوردار باشد. بنابراين، فردي كه فكر كند دانش او در زمينه اي محدودتر است و با درگيرشدن در آن، عملاً به نتيجه اي مناسب نخواهد رسيد ترجيح خواهد داد كمتر در آن مشاركت كند. اين موضوع عمدتاً به جهل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فرد، يا به‌عبارتي به آگاهي فرد از جهل خود در زمينه‌اي خاصي مربوط مي‌شود؛ مثلاً اگر افراد آگاهي كافي در مورد شرايط فقر و نيازمندي در جامعه نداشته باشند، به‌ندرت نيت و عمل كمك به ديگران در آن‌ها ايجاد خواهد شد.

ـ فكر كند بدون مداخلة او، نتايج برخي اقدامات و امور توسط ديگران چندان رضايت‌بخش نخواهد بود. در اين صورت تعهد و تمايل بيشتري براي مشاركت در آن امور خواهد داشت.

در چارچوب تحليل هاي رواني ـ اجتماعي، ديويد سيلز در پي تبيين عوامل موثر بر مشاركت مي‌باشد. به نظر مي رسد سيلز، در كنار ديدگاه هاي مذكور، تبيين‌هاي مكمل و فراگيري را فراهم مي‌نمايد كه براي بررسي تجربي كنش‌هاي مشاركتي از نوع حمايتي رهنمود بخش است، به ويژه طبقه‌بندي وي از عوامل درهم تنيدة رواني ـ اجتماعي مفيد مي‌باشد. به نظر او اولاً، افراد در متن نيروهاي اجتماعي (منزلت، تعليم و تربيت و آموزش، باورها، مذهب و ...) محاط شده‌اند؛ ثانياً، تفاوت هاي شخصيتي از نظر توانمندي‌ها و استعدادها موجب مي‌شود كه افراد از نظر آمادگي براي پاسخ دادن به محرك هاي اجتماعي متفاوت باشند. به اين عوامل بايد تفاوت‌هاي شناختي (ميزان آگاهي)، فيزيكي و مادي (اقتصادي) را اضافه نماييم كه امكان عيني بروز كنش مشاركتي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

را فراهم مي سازد. ثالثاً، تأثير پيش شرط هاي اجتماعي و روان شناختي بر فعاليت اجتماعي افراد تا حدود زيادي بستگي به محيط هاي اجتماعي شامل نهادها و سازمان‌هاي اجتماعي، اعتقادات و ارزش‌هاي فرهنگي و سياسي دارد . بنا به عقيدة سيلز، سه دسته متغير به شدت با يكديگر مرتبط و به هم آميخته‌اند و هر تحليلي كه فقط مبتني بر يكي از آن‌ها باشد گمراه كننده است . (محسني تبريزي ، موسوي‌نژاد، 1370: 7)

با توجه به مباحث نظري ، شايد بتوان رفتارهاي حمايتي و دگرخواهانه را اين‌گونه تعريف كرد كه اين نوع رفتارها نوع خاصي از كنش اجتماعي يا مشاركتي هستند كه با دغدغة خاطر براي ديگران همراه‌اند و غالباً آگاهانه و داوطلبانه اند. در اين كنش‌ها موضوع حركت از نيت و قصد رفتاري به يك رفتار عيني، محور اساسي است. تحقق نيات علاوه بر وجود گرايش به عمل، مستلزم وجود عوامل ديگري از قبيل آگاهي از شرايط نيازمندي، ديدگاه افراد نسبت به اين پديده و داشتن امكان عيني كمك به ديگران همنوع مي باشد كه غالبا متاثر از شرايط اقتصادي و اجتماعي و آموزه هاي مذهبي و امثالهم است. به‌عبارتي هر چند رفتارهاي نوع دوستانه يك تصميم ذهني تلقي مي شوند ولي هم ة آن‌ها توسط باورها و شروط موقعيتي مشروط مي شوند و جهت‌گيري

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

آن‌ها براساس الگوهاي جمعي (قواعد، هنجارها و الگوهاي اجتماعي) ساختيابي شده اند و از اين رو، اين رفتارها نتيجة سلسله عوامل رواني، اجتماعي و رواني ـ اجتماعي‌اند. هر چند برخي از افراد در برخي جوامع در رفتارهاي خيرخواهان ة خود رضايت جانشيني مانند ايثار و فداكاري را مد نظر قرار مي‌دهند و در وهل ة اول اطرافيان، هم كيشان و امثالهم را جزء تعهدات (اخلاقي يا اجتماعي) خود مي‌دانند، ولي در برخي ديگر، انگيزه‌هاي دگرخواهي صادقانه ريشه در همدلي، اعتماد و هم‌فكري دارد و در ذهن اينان «ديگران» به‌طور عام به مفهوم كل (همنوع) مطرح است. اين ذهنيت در كمك به نيازمندان و حمايت از مستمندان تاثير ب ه سزايي دارد.

2) روش‌شناسي

2-1) هدف

هدف اين تحقيق بررسي رفتارهاي نوع‌دوستانه، انگيزه‌هاي كمك و عوامل تعيين كنندة آن‌ها مي‌باشد تا بتوان شناختي از ماهيت اين گونه رفتارها و جهت آن‌ها (از قبيل خاص‌گرايانه و عام‌گرايانه) را مشخص نمود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

2-2) تعريف عملياتي متغيرها

با توجه به مباحث نظري فرض مي‌شود كه رفتارهاي نوع‌دوستانه داراي ويژگي هاي زير باشند و با متغيرها و عوامل زير مرتبط باشند:

ـ انگي‌زه‌هاي افراد (مذهبي، نوع دوستي)؛

ـ شرايط اقتصادي و اجتماعي (تحصيلات، شغل، بعد خانوار و توان مالي)، ويژگي‌هاي فردي (سن، جنس، تاهل) و باورها و اعتقادات (ميزان مذهبي بودن، تقديرگرايي) افراد؛

ـ فعاليت‌هاي مشاركت اجتماعي افراد؛

ـ ميزان آگاهي افراد از وضعيت فقر و نيازمندي آحاد جامعه؛

ـ باور به نتيجه بخشي رفتارهاي خيرخواه انه در رفع يا تخفيف آلام ديگران؛

ـ اعتماد به ديگران (در اظهار نياز) و به سازمان‌ها و دستگاه‌هاي حمايتي جامعه؛

ـ اعتقاد به عدم توان ايي دولت و يا دس تگاه‌هاي حمايتي در رفع نيازمندي؛

ـ موقعيت‌ها و وقايع از قبي ل سوگواري، مسافرت، عيد و بيماري؛

ـ مناطق به لحاظ سطح توسعه‌يافتگي.

برخي از اين مفاهيم نياز به تعريف و تو ضيح دارند كه ذيلاً اشاره مي‌شود.

ـ **مذهبي بودن:** اين مقوله به اجراي اوامر و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

دستورات و توصيه هاي مذهبي اشاره مي كند. در مطالعة حاضر با توجه به تحقيقات انجام شده در مورد مذهب خصوصاً در ايرا ن (سراج‌زاده، 1377؛ رجب‌زاده، 1377) و پس از بررسي هاي مقدماتي با توجه به هدف تحقيق تعداد معدودي از معرف‌ها براي مطالعة زمينه‌هاي مذهبي انتخاب شدند ك ه عبارتند از اولويت‌بندي افراد در هزينه كردن پول و درآمد خود در صورت داشتن مقدار قابل توجهي پول در اموري چون: الف) زيارت اماكن مقدسه؛ ب) كمك به نيازمندان؛ ج) خريد مسكن و سياحت. فرض بر اين بود كه انتخاب مورد الف «بيشتر مذهبي»، مورد ب «مذهبي بودن» (به‌طور متوسط) و موارد ديگر «كمتر مذهبي» بودن پاسخگويان را نشان مي دهد. معرف ميزان مقيد بودن به «نذر و نياز» و «رعايت واجبات و مستحبات و ترك محرمات" نيز در گويه‌هاي مستقل از پاسخگويان سؤال شد.

ـ **تقديرگرايي** (Fatalism): اعتقاد به اين‌كه وقايع و امور به وسيلة سرنوشت تعيين شده اند و آن‌چه هست و رخ مي دهد اجتناب‌ناپذير و از پيش تعيين شده است و تلاش و اراد ة بشري در جهت دادن يا ايجاد تغيير در آن‌ها نقشي ندارد. با الهام از تحقيقات و مقياس هاي توصيه شده براي سنجش قدرگرايي و بي‌قَدَري (Miller, 1980) و پس از بررسي هاي مقدماتي، گويه‌هايي در محورهايي چون: «نظر پاسخگويان بر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تعيين سرنوشت فرد قبل از تولد»؛ «نظر پاسخگويان در مورد توانايي فرد در مورد تغيير سرنوشت خود»؛ و «نظر پاسخگويان در مورد بخت و شانس » انتخاب شدند.

ـ **مشاركت:** به مفهوم درگيري ذهني و عيني و سهيم شدن در امري و فعاليتي ميباشد. مشاركت به دو صورت مورد بررسي قرار گرفت : الف) مشاركت انجمني، به مفهوم مشاركت در مؤسسات و سازمان‌هاي اجتماعي از قبيل عضويت در انجمن ها، شوراها، كانون‌ها يا همكاري با ارگان هاي و نهادهاي اجتماعي و شركت در مجالس مذهبي؛ ب) مشاركت در كمك به همنوع ؛ اين نوع مشاركت ب ه‌صورت اخص مد نظر بوده است و با گويه‌هايي در محورهايي چون «ميزان كمك به نيازمندان جامعه (كمك‌هاي نقدي و غيرنقدي)»، «ميزان كمك در طي دوره هاي زماني خاص (مثلا سال گذشته، ماه گذشته)» و «ميزان كمك به نيازمندان از طريق سازمان ها و دستگاه هاي حمايتي» مورد مطالعه قرار گرفتند . بُعد دوم در واقع به خود متغير وابسته تعلق دارد.

ـ **آگاهي:** فرض بر اين است كه دانش و اطلاع از وضعيت و شرايط، مقدم بر كنش مشاركتي افراد است. در اين‌جا ميزان آگاهي از مسايل و مشكلات جامعه و همچنين شرايط فقر و نيازمندي در جامعه مد نظر بوده‌است كه از طريق «ارزيابي پاسخگويان از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قرارگرفتن بيشتر مردم در طبقات مختلف (بالا، متوسط و پايين)» و «ديدگاه پاسخگويان در مورد روند فرآيند فقر و قطبي شدن جامعه به مفهوم افزايش شكاف بين فقير و غني» در قالب گويه هايي تعبيه گرديد. انتخاب اين مقولات مبتني بر شواهد آماري بررسي هزينه و درآمد خانوار و مطالعاتي است (مركز آمار ايران 1361؛ 1367؛ 1380) كه در دهه‌هاي گذشته انجام شده و بيانگر افزايش فقر و فاصلة فزايندة بين فقرا و اغنياست. (نخجواني، 1381).

ـ **اعتماد:** به مفهوم وثوق و اطمينان به ديگري يا ديگران (خصوصاً به لحاظ اطمينان از صحت ابراز نياز و مقصر نبودن فرد در شرايط نيازمندي وي) است. اين مفهوم به طرق زير بررسي شده است: الف) درجة اعتماد پاسخگو به ديگران (مردم) كه در قالب مقياسي مشتمل بر گويه هايي شش‌گانه پس از آزمون مقدماتي انتخاب و بررسي شدند كه عبارتند از: «اين روزها به سختي مي‌توان كسي را پيدا كرد كه واقعاً به او اعتماد كرد»؛ «وقتي خوب فكر مي‌كني مي بيني كساني كه مي توانی اعتماد كني انديكاند»؛ «اكثر مردم قابل اعتمادند»؛ «عموماً مي‌توان به غريبه ها اعتماد كرد»؛ «اكثر مردم در بيان نياز به ديگران درستكار و صادق اند» و «خيلي‌ها فقط از آن رو با تو دوست اند كه چيزي از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تو مي خواهند». ب) ميزان اعتماد به دستگاه هاي حمايتي از قبيل بنياد پانزده خرداد، كميته امداد، سازمان بهزيستي، خيريه هاي مساجد و مؤسسات عام المنفعه بررسي شده است.

ـ **موقعيت‌ها و وقايع :** به وضعيت هايي اشاره دارد كه فرد با آن روبرو مي شود و سبب برانگيخته شدن فرد به كمك به امر خيريه اي مي‌شود كه در اين جا به لحاظ اهميت، موقعيت‌هاي سوگواري، مسافرت، عيد و بيماري در قالب سؤالي به صورت مقايسه‌اي از پاسخگويان پرسيده شد.

ـ در مقولاتي چون "اعتقاد به به عدم توانايي دولت و يا دستگاه هاي حمايتي در رفع نيازمندي" و "احساس بي‌قدرتي و باور به نتيجه بخشي رفتارهاي خيرخواهانه در رفع يا تخفيف آلام ديگران " هر كدام در قالب گويه‌اي از پاسخگويان سؤال شد.

ـ **منطقه:** از نظر ميزان توسعه‌يافتگي مطرح است كه فرض مي‌شود كه با ماهيت كنش ها مرتبط باشد و در جوامع توسعه يافته‌تر رفتارهاي نوع دوستانه گرايشات عام‌گرايانه (مبتني بر ديگران به عنوان كل و انسان) بيش از گرايشات خاص گرايانه (مبتي بر قوم، خويشاوندي و امثالهم) مي‌باشد. بر مبناي نتايج سطح‌بندي سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور در سال 1375، استان‌هاي مورد مطالعه به ترتيب توسعه‌يافتگي به ترتيب شامل تهران، اصفهان، يزد،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مركزي، گيلان و كرمان بودند.

ـ **جهت‌گيري رفتارها :** با بهره گيري از مقياس هاي پيشنهاد شده توسط صاحبنظران علوم اجتماعي (Miller, Shuessler, 1978; 1980) و تحقيقات انجام شده در ايران (وزارت ارشاد، 1383)، مطالعة مقدماتي با گويه‌هايي در محورهاي زير براي بررسي انتخاب شد: «ابتدا نياز خود فرد، بعد ديگران»؛ «كمك صرف به خويشاوندان»؛ «موظف بودن مردم در كمك به نيازمندان علي رغم كمك دولت »؛ «كمك به ديگر نيازمندان در هر نقطه از جهان صرف نظر از مذهب، مليت و صرفاً به خاطر اهداف انسان دوستانه»؛ «مسئوليت فردي در برآوردن نياز خويش و عدم توقع از ديگران»؛ «وجود سازمان‌هاي حمايتي (دولتي) و عدم نياز به درخواست كمك از مردم».

تمام گويه ها براي بررسي معرف ها يا مقولات مرتبط با رفتارهاي نوع دوستانه با استفاده از طيف ليكرت با گزينه هاي سه تايي (زياد، متوسط و پايين) مطرح شدند كه پس از بررسي مقدماتي (Pre-Test) براي بررسي نهايي انتخاب شدند . توضيح آن كه، گويه‌هاي انتخاب شده براي هر يك از متغيرهاي مورد بررسي، آن‌هايي بودند كه داراي ضريب بالاي 70 درصد (معرف روايي بالا) بودند؛ از اين رو، گويه‌هايي كه ضريب پايين‌تري داشتند حذف شدند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

2-3) جامعه آماري و گروه نمونه

با توجه به هدف تحقيق و ماهيت داده هاي مورد نياز، از روش تحقيق ميداني در شش استان كشور استفاده شد (جدول شماره 1). اين استان‌ها از بين سه گروه از استان ها از نظر درجة توسعه‌يافتگي (يعني توسعه يافتگي بالا، توسعه يافتگي متوسط و توسعه‌يافتگي پايين) براساس نتايج سطح بندي فوق‌الذكر، به‌صورت تصادفي انتخاب شدند. اطلاعات مورد نياز از 1710 نفر پاسخگو از طريق مصاحبه و پرسش‌نامه جمع‌آوري شد. اين افراد با استفاده از فرمول كوكران برآورد شدند و بر اساس نمونه گيري تصادفي مراكز استان با توجه به بلوك بندي شهرداري‌هاي اين مراكز انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. از آماره هاي مختلف مانند ضرايب همبستگي، آزمون F، تحليل واريانس و رگرسيون چند متغيره براي تحليل روابط، سود جسته شده است.

جدول 1: توزيع جمعيت نمونه بر اساس مراكز استان

مراكز استان	تهران	مركزي	يزد	اصفهان	گيلان	كرمانشاه
تعداد نمونه	600	139	173	442	142	214

3) يافته‌ها

يافته‌هاي تحقيق، كه نتايج آن در جدول شماره 2 منعكس شده است، نشان مي دهد كه به لحاظ مشخصات فردي، اقتصادي و اجتماعي جمعيت نمونه، نزديك 62

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

درصد از آن‌ها را مردان و 38 درصد را زنان تشكيل مي‌دهد. از نظر وضعيت تأهل، 60 درصد از جمعيت نمونه را متأهلين و 40 درصد را مجردين تشكيل مي‌دهند. از نظر بعد خانوار، حدود 95 درصد از افراد نمونه را خانوارهاي "3 نفره و كمتر" و "4-7 نفره" تشكيل مي‌دهد و هر كدام از اين گروه‌هاي سني حدود نيمي از افراد نمونه را شامل مي‌شوند و تنها حدود 5 درصد از جمعيت نمونه داراي خانوارهاي «8 نفر و به بالا » هستند. با توجه به تحصيلات، 41 درصد داراي ديپلم و پا يين‌تر، 54 درصد داراي «فوق‌ديپلم و ليسانس» و تنها 4/5 درصد داراي «فوق ليسانس يا بالاتر» مي‌باشند. از نظر شغلي، حدود 23 درصد از جمعيت نمونه را مشاغل سطح پائين، حدود 33 درصد را مشاغل سطح متوسط، و تنها 4/5 درصد را مشاغل رده بالا و 33 درصد ديگر را افراد خانه‌دار، سرباز و... تشكيل مي‌دهد*. از نظر وضعيت اقتصادي،

* طبقه‌بندي مشاغل به سه رتبه براي سادگي تحليل و توصيف، براساس عنوان‌بندي مشاغل مركز آمار ايران در سرشماري نفوس و خانوارها به شرح ذيل صورت گرفته است. براي شغل سه رتبه در نظر گرفته شد : مشاغل سطح بالا شامل : 1) متخصصين عالي‌رتبه، 2) مديران عالي‌رتبه، 3) كارمندان عالي‌رتبه، 4) مشاغل تجاري بالا؛ مشاغل سطح متوسط شامل : 1) متخصصين غير عالي‌رتبه (معلم، تكنسين و ..)، 2) كشاورزان، 3) مشاغل توليدي بالا (تراشكار، برق كار و ...)،4) مشاغل خدماتي بالا (آرايشگر، راننده تاكسي و ...)، 5) مشاغل توليدي متوسط (بنا، تجار، كاشي كار و ...)؛ مشاغل سطح پائين شامل : 1)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

51 درصد از افراد نمونه خود را در سطح پايين، 38 درصد در سطح متوسط و نزديك 10درصد در سطح بالا قرار دادند.

بررسي معلوم ساخت كه حدود 20 درصد پاسخگويان، مشاركت حمايتي بالا، 35 درصد مشاركت حمايتي متوسط و 45 درصد مشاركت حمايتي پايين را در كمك به همنوعان اظهار داشتند. از بين پاسخگويان 50 درصد انگيزه هاي بشر دوستانه و مذهبي، 30 درصد ترحم و دلسوزي و 20 درصد مسئوليت و تعهدات اجتماعي را به عنوان محرك اصلي در كمك به همنوعان ذكر كردند.

بررسي روابط بين ويژگي هاي فردي، اجتماعي، اقتصادي پاسخگويان با رفتارهاي حمايتي خيرخواهانه آنان نشان داد كه متغيرهاي جنس و سن رابطة معنيداري از نظر آماري با رفتار حمايتي افراد ندارند و اين رابطه از نظر شدت، ضعيف و از نظر جهت، منفي مياشد.

با توجه به متغيرهاي سطح تحصيلات و وضعيت تأهل، هرچند تحليل داده ها رابطة معناداري از نظر آماري با رفتار نيكوخواه انه پاسخگويان نشان

كارمندي رده پايين (بايگان، نامه رسان و ...)، 2) دادوستدكنندگان رده پايين (بقال، خرازي و...)، 3) كارگران كشاورزي (باغبان، ماهيگير و ...)، 4)مشاغل خدماتي پائين (نظافتچي، دربان، باربر و ...)، 5) مشاغل توليدي پا يين (كارگر ساده كارخانه، كارگر ساختماني، پادو و ...).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مي‌دهد، ولي مقدار پيوستگي براي هر دو متغير منفي و ضعيف مي باشد. بدين مفهوم كه، هر چند متغير تحصيلات در كنش حمايتي افراد مهم است، ولي در بين جمعيت نمونه، افراد متاهل و داراي تحصيلات بالا گرايش چنداني در امور مشاركت هاي حمايتي از خود نشان ندادند و اين گرايش نيز چندان مهم نبوده است. بدين مفهوم كه لزوماً اين‌گونه نيست كه تنها افراد مجرد و با تحصيلات اندك به هم‌نوعان كمك مي‌كنند.

جدول 2: توزيع پاسخگويان بر حسب متغيرهاي مورد بررسي و تحليل روابط بين رفتارهاي حمايتي متغيرهاي مستقل

متغيرها	تعداد	درصد	معناداري (0/05)	مقدار پيوستگي	متغيرها	تعداد	درصد	معناداري (0/05)	مقدار پيوستگي
جنس			/342	-/025	انگيزة كمك				
مرد	1044	/961			ترحم	465	/227		
زن	666	/138			مذهبي	427	25		
سن			/461	/008	انسان‌دوستانه	478	/228		
30 و كمتر	516	/230			تعهد اجتماعي	330	/719		
31-41	355	/820			مؤثربودن كمك‌ها			/000	/625
42+	839	/149							
تحصيلات			-/066	/003	پايين	506	/629		
ديپلم و’	710	/5			متوسط	571	/4		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ديپلم به پائين'		41				33		
'فوق‌ديپلم و ليسانس'	923	/054		بالا	633	37		
'فوق‌ليسانس‌و به بالا'	77	4/5		وضعيت اقتصادي			/000	/849
بعد خانوار			/009	/357	878	/451		
1-3	824	/248		متوسط	665	/738		
4-7	796	/646		بالا	167	9/8		
8+	90	5/3		مشاركت انجمني			/415	/032
تاهل			-/095	/002	130	/775		
مجرد	694	/640		متوسط	332	/419		
متاهل	1016	/459		بالا	838	4/9		

ادامه جدول 2

ميزان كمك به ديگران				اعتماد به ديگران			/001	/443
پايين	773	/245		پايين	395	/123		
متوسط	327	/634		متوسط	597	/534		
بالا	660	20		بالا	725	/442		
مذهبي بودن			/000	/336			/000	/512
پايين	444	/226		پايين	270	16		
متوسط	1043	/161		متوسط	513	30		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بالا	213	/512				بالا	957	56		
تقديرگرايي			/028	-/246		موقعيت و وقايع			/000	/330
پايين	271	/815				سوگواري	718	42		
متوسط	648	/937				مسافرت	479	28		
بالا	791	/242				عيد	479	28		
آگاهي از مشكلات			/000	/740		بيماري	54	3/2		
پايين	111	6/5								
متوسط	557	/632								
بالا	102	/960								

با توجه به بعد خانوار، در كل جمعيت نمونه رابطة معناداري از نظر آماري بين رفتار حمايتي و بعد خانوار مشاهده مي‌شود، ولي اين رابطه، منفي و در حد متوسط است و خانواره اي پُرتعداد، مشاركت كمتري در مقايسه با خانوارهاي كم‌تعداد در كمك به ديگران دارند.

از نظر وضعيت اقتصادي، بيش از 50 درصد خود را در سطح پايين، حدود 40 درصد خود را در سطح متوسط و نزديك 10 درصد خود را در سطح بالا ارزيابي كردند. تحليل داده ها، رابطة معني‌داري را از نظر آماري با رفتار حمايتي نشان داد (0/000)، به‌طوري‌كه مقدار پيوستگي، اين رابطه را مثبت و قوي نشان مي‌دهد (0/849) كه بيانگر تأثير

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قابل ملاحظة وضعيت اقتصادي پاسخگويان بر رفتار حمايتي آنان مي‌باشد.

بررسي ميزان مذهبي بودن افراد نمونه نشان مي‌دهد كه حدود 61 درصد آنان خود را از نظر مذهبي بودن در سطح متوسط، 26 درصد پايين و 12/5 درصد خيلي مذهبي ارزيابي كردند . قابل ذكر است كه با توجه به گرايش پاسخگويان به موارد هزينه در صورت داشتن تمكن مالي، نزديك 80 درصد كمك به همنوعان و زيارت اماكن مذهبي را ب ه عنوان اولويت هزينه ذكر مي‌كنند. از نظر اعتقاد به نذر و نياز، 65 درصد اعتقاد زياد و 17/5 درصد اعتقاد متوسطي را ابراز نمودند . با عنايت به اين گرايشات، به نظر مي‌رسد رضايت جانشيني نقش قابل توجهي در كمك به هم نوعان داشته باشد . از نظر آماري رابطة معني‌داري بين مشاركت در امور حمايتي و مذهبي بودن وجود دارد . مقدار پيوستگي اين رابطه را مثبت و در حد متوسط نشان مي دهد. بنابراين مي‌توان گفت نتيجة تحليل داده ها از يك سو تأثير مذهبي بودن را بر مشاركت تائيد مي كند و از سوي ديگر اين نظر را كه مذهب مي تواند نقش قاطعي در كنش مشاركتي افراد بازي كند با قاطعيت تائيد نمي‌كند و احتمال تاثير عوامل و انگيزه هاي ديگر از جمله نيات انسان‌دوستانه را رد نمي‌كند.

يافته هاي تحقيق حاكي از گرايش قابل توجه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

پاسخگويان نسبت به تقديرگرايي است . براي مثال، بيش از 46 درصد از پاسخگويان اعتقاد زياد، حدود 38 درصد اع تقاد در حد متوسط و حدود 16 درصد اعتقاد اندك به سرنوشت دارند . تحليل داده ها، رابطة بين متغير تقديرگرايي و كنش حمايتي از نظر آماري را معني‌دار نشان مي دهد و ضريب پيوستگي، ميزان ارتباط را در حد متوسط و جهت آن را منفي نشان مي دهد؛ اين بدين مفهوم است كه تقديرگرايي بالا اغلب با مشاركت اندك د ر كمك به نيازمندان ملازمت دارد.

از نظر اين كه، آگاهي از مشكلات اقتصادي مردم در بين افراد مورد بررسي چقدر بوده است، داده‌ها معلوم مي دارد كه بيش از 60 درصد پاسخگويان آگاهي‌شان در مورد مسائل و مشكلات مردم خصوصاً مسائل اقتصادي‌شان زياد يا متوسط و 40 درصد اندك مي‌باشد. در كل جمعيت نمونه، رابطة بين آگاهي از مشكلات و ميزان مشاركت از نظر آماري معني دار و قابل توجه بوده كه مي تواند تاييدي بر تاثير امكان (يا شرايط) عيني بر كمك به ديگران باشد.

حدود 86 درصد پاسخگويان اعتقاد دارند كه سازمان‌هاي فعال در امور حمايتي توانايي پوشش تمام افراد جامعه را ندارند يا كمك هاي آن‌ها به‌حدي نيست كه بتواند در رفع نياز نيازمندان كاملا موثر باشد . همين‌طور بيش از 70 درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

پاسخگويان بر اين باورند كه كمك هاي آنان يا كمك‌هاي مردم در برطرف كردن آلام و نيازهاي ديگران موثر است . هر دو اين م قولات رابطه اي معني‌دار و بالا را با متغير مشاركت حمايتي آشكار مي‌سازند.

با توجه به متغير اعتماد (به ديگران)، 43/4 درصد از آنان اعتماد زياد به مردم، 34/5 درصد اعتماد نه چندان زياد و 23/1 درصد اعتمادي اندك به مردم دارند. بر اساس داده‌ها مي‌توان گفت كه افراد نمونه تا حد زيادي نسبت به ديگران (خصوصاً در بيان نيازشان) خوشبين هستند. از نظر اعتماد به دستگاه‌هاي حمايتي (به‌واسطة كمك به نيازمندان از طريق آنان) بالاترين درصد اعتماد پاسخگويان، به ترتيب به مساجد و خيريه ها 51/4 درصد، به كميته امداد 41/1 درصد، به سازمان بهزيستي 26/7 درصد و به بنياد پانزده خرداد 23/9 درصد مي‌باشد. تحليل روابط بين اعتماد و كنش حمايتي پاسخگويان نيز حاكي از وجود همبستگي مثبت و نسبتاً قوي بين اعتماد به مردم و همبستگي ضعيف در مورد دستگاه هاي حمايتي نمايان است كه مي‌تواند بدين مفهوم باشد كه رفتارهاي حمايتي افراد نمونه لزوماً از اعتماد آنان به اين دستگاه‌ها تأثير نمي‌پذيرد.

جدول3: توزيع پاسخگويان بر حسب ميزان اعتماد به دستگاه‌هاي حمايتي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

سازمان‌ها / اعتماد	بنياد 15 خرداد	سازمان بهزيستي	كميته امداد	خيريه ها و مساجد
پايين	32/1	22/8	17/0	8/6
متوسط	37/9	45/1	39/4	29/3
بالا	23/9	26/7	41/1	51/4
هيچكدام	6-1	5/4	2/5	13/7
كل	100/0	100/0	100/0	100/0

بررسي نشان مي دهد كه اكثريت پاسخگويان (بيش از 75 درصد) مشاركت اجتماعي (انجمني) اندكي در سازمان‌ها و انجمن هاي اجتماعي داشتند كه خود حاكي از ضعف جامعة مدني بوده كه زمينة چندان مساعدي را براي مشاركت فعال افراد در انجمن‌ها و موسسات مدني ايجاد نكرده است. در بين فعاليت‌هاي فوق‌الذكر، اغلب پاسخگويان اظهار داشتند كه در فعاليت مذهبي و عبادي شركت دارند . هرچند تحليل داده‌ها همبستگي بين مشاركت انجمني و مشاركت در امور حمايتي، رابطة مثبت ولي ضعيفي را آشكار مي‌نمايد كه بر تاثير اندك مشاركت انجمني در فعاليت‌هاي حمايتي اشاره دارد.

با توجه به برخي موقعيت ها و وقايع خاص، كه افراد معمولا در طي زندگي خود با آن‌ها مواجه مي‌شوند، حدود 42 درصد موقع سوگوا ري، 28 درصد موقع مسافرت، نزديك 27 درصد ايام عيد و 3/2 درصد زمان بيماري را مؤثر و مهم ذكر كردند. اين موقعيت‌ها داراي رابطة معني‌دار و داراي همبستگي مثبت و قابل ملاحظه اي از نظر آماري با رفتارهاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

حمايتي مي‌باشند.

بررسي اين كه آيا تفاوت هاي منطقه اي به لحاظ ميزان توسعه يافتگي بر مشاركت افراد نمونه در امور حمايتي ت أثير دارد يا نه ، تحليل واريانس يك‌طرفه (Anova) تفاوت‌هاي معناداري بين اين استان‌ها از نظر درج ة توسعه‌يافتگي و ميزان مشاركت در امور حمايتي نشان داد . به عبارتي تاثير مناطق مختلف در كنش حمايتي مهم است و لزوماً استان هاي مورد بررسي از اين جهت يكسان نيستند و ميزان توسعه‌يافتگي استان‌ها عاملي مؤثر در مشاركت هاي مردمي در كمك به هم نوعان محسوب مي‌شود. آزمون F تفاوت معناداري بين گروه ها (جدول شماره4) را بيان مي دارد و تفاوت ميانگين‌ها به ترتيب نزولي در مناطق مورد مطالعه رابطة مذكور را نشان مي‌دهد.

مقايسة استان‌هاي مورد مطالعه نيز نشان مي دهد كه استان تهران با بقيه استان ها از نظر سطح توسعه‌يافتگي و ميزان مشاركت تفاوت معناداري دارد. يعني تأثير توسعه يافتگي بر ميزان مشاركت پاسخگويان در امور حمايتي در تهران بيش از ساير استان ها است. مقايسة ساير استان ها با همديگر نشان مي دهد (به استثناء تهران) روابط معناداري از نظر آماري بين آن‌ها وجود ندارد.

جدول 4: تحليل واريانس مشاركت در امور حمايتي و منطقه (درجه توسعه‌يافتگي)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

استان	ميان گين	تعداد (N)		مجموع مجذورات	DF	ميانگين مجذورات	مقدار F	سطح معناداري
تهران	4/09	576	بين مناطق	67/724	5	13/545	/56112	000
اصفهان	3/70	442	درون مناطق	1800/825	1670	1/078		
يزد	3/81	176	مجموع	1868/549	1675			
مركزي	3/59	128						
گيلان	3/53	142						
كرمانشاه	3/78	212						
كل	3/84	1676						

بررسي جهت رفتارهاي نوع‌دوستانه نشان مي‌دهد كه اولا، گرايشات عام گرايانه عموماً در كلي ة مناطق قابل توجه است . ثانيا، گرايش به رفتارهاي عام‌گرايانه در استان هاي توسعه يافته نسبت به مناطق كمتر توسعه‌يافته بيشتر است. تحليل داده‌ها نيز ارتباط بين توسعه يافتگي و جهت رفتار هاي دگردوستانه را معنادار نشان مي‌دهد و اين ارتباط نسبتاً قابل توجه و مثبت مي‌باشد. (جدول شماره 5)

براساس تحليل رگرسيون چند متغيره، متغيرهاي در نظر گرفته شده در اين مطالعه در مجموع داراي رابطة معناداري با متغير مشاركت حمايتي مي‌باشند و ضريب رگ رسيون با مقدار نسبتاً بالايي (65 درصد) تغييرات متغيرهاي مستقل را بر متغير وابسته (رفتار حمايت نوع دوستانه) تبيين مي‌كند. در كل جمعيت نمونه متغيرهاي مستقل بيش از 42

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

درصد تغييرات در متغير رفتار حمايتي را پيش‌بيني كردند كه به نظر مي‌رسد در حد مطلوبي است.

جدول 5: توزيع پاسخگويان بر حسب جهت رفتارهاي نوع‌دوستانه و منطقه (توسعه‌يافتگي)

رده‌بندي بر اساس توسعه‌يافتگي	عام‌گرايانه (درصد)	خاص‌گرايانه (درصد)	(N) تعداد
تهران	67/2	38/8	576
اصفهان	62/1	61/9	442
يزد	53/7	46/3	176
مركزي	48/1	48/1	128
گيلان	37/4	51/8	142
كرمانشاه	40/5	66/6	212
معناداري مقدار	0/00		
پيوستگي	/431		

بررسي تاثيرات جزئي متغيرهاي مستقل بر متغير وابسته نشان داد كه بالاترين ضريب بتا به ترتيب به متغيرهاي «اعتقاد به موثر بودن كمك ها»، «آگاهي از مشكلات معيشتي مردم »، «توسعه‌يافتگي»، «عدم توان پوشش سازمان هاي حمايتي »، «وضعيت اقتصادي»، «ميزان اعتماد به ديگران (در نياز به كمك)»، «موقعيت‌ها و وقايع »، تعلق دارد . بررسي همچنين آشكار ساخت كه متغيرهاي جنس، تأهل، بعد خانوار و تقديرگرايي رابط ة منفي با مشاركت در امور حمايتي را نشان مي دهند، با اين حال تاثي ر اين متغيرها به علاوة بقيه متغيرهاي وارد شده به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

معادلة رگرسيون بر مشاركت حمايتي جمعيت نمونه ، تعيين‌كننده نيست. (جدول شماره 6)

جدول 6: رگرسيون چند متغيره رفتارهاي حمايتي و متغيرهاي مستقل دركل جامعه آماري و مناطق مورد مطالعه

متغيرهاي مستقل	ضريب بتا	متغيرهاي مستقل	ضريب بتا
تاهل	-/306	عدم توان پوشش سازمان‌هاي حمايتي	/435
جنس	-/41	وضعيت اقتصادي	/46
تحصيلات	/007	مذهبي بودن	/043
شغل	/018	تقديرگرايي	-/013
بعد خانوار	-/045	اعتماد به ديگران	/319
سن	/042	آگاهي	/771
باور به موثر بودن كمك‌ها	/885	موقعيت و وقايع	/399
منطقه (توسعه‌يافتگي)	/700	مشاركت انجمني	/011
F- آزمون معناداري آماري	45/51 0/00	Multi-R R-squre	/65 /42
تعداد	1710		

توضيح: با رعايت قواعد حاكم بر تحليل رگرسيون چند متغيره، براي ورود به معادله رگرسيون در مورد متغيرهاي زير به صورت ذيل عمل شد : تأهل و جنس به متغيرهاي دو گزينه‌اي تبديل شدند؛ تحصيلات با پنج طبقه با ارزش 1 تا 5 به ترتيب از سطح پايين تا بالا بررسي شدند؛ شغل بر اساس

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

رتبه‌بندي مشاغل مركز آمار ايران در 14 گروه با نمرة 1 تا 14 بر اساس رتبة شغلي وارد مع ادله شد؛ متغير هاي "باور به موثر بودن كمك‌ها" و "عدم توان پوشش سازمان‌هاي حمايتي" در يك شاخص 1 تا 7 مورد بررسي قرار گرفتند.

4) نتيجه‌گيري

اين مقاله به دنبال آن بود كه به تبيين رفتارهاي حمايتي اي از قبيل كمك به ديگران (نيازمند) بپردازد و ماهيت، عوامل و انگيزه هاي كمك و جهت آن‌ها را بررسي كند . با مروري بر مهم‌ترين نظريات و ديدگاه هاي مرتبط، رفتارهاي حمايتي به نوع خاصي از كنش اجتماعي يا مشاركتي اطلاق شد كه با دغدغة خاطر براي ديگران همراه است، بيش از آن‌كه منشأ دروني و ذاتي يا تقليدي داشته باشد مدلل و آگاهانه است، و در عين حالي كه داوطلبانه است، متغيرهايي از قبيل فشارها و هنجارهاي اجتماعي، باورها، عقايد، توان عيني (مانند استطاعت اقتصادي) و امثالهم در بروز اين نوع رفتار نقش ايفا مي كنند. هر چند برخي از افراد در برخي از جوامع براي اعمال خيرخواهانه رضايت جانشيني مانند ايثار و فداكاري را مد نظر قرار مي‌دهند، ولي انگيزه هاي دگرخواهي صادقانة آگاهانه، كه ريشه در همدلي، اعتماد و همفكري دارد و مبتني بر انسان دوستي صرف است، در بروز اين رفتارها تاثير بسزايي دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بررسي تجربي رفتارهاي حمايتي يا نوع دوستانه و عوامل و انگيزه هاي م ؤثر بر آن‌ها و همچنين جهت آن‌ها، با استفاده از روش ميداني در شش استان كشور با تعداد 1710 نمونه انجام شد و موارد زير معلوم گرديد:

از ويژگي‌هاي فردي، جنس، ت أهل و سن چندان ارتباط و پيوستگي معنادار يا قوي را از نظر آماري با رفتار حمايتي افراد نشان ندادند . از ويژگي‌هاي اجتماعي و اقتصادي، ا گرچه شغل و تحصيلات رابطة معني‌داري را نمايان ساخ تند، ولي اين ارتباط چندان تعيين كننده (زياد) مشاهده نگرديد. متغيرهاي بعد خانوار و وضعيت اقتصادي رابطة معني‌داري با رفتار حمايتي آشكار ساختند، به طوريكه ميزان پيوستگي به ترتيب در حد متوسط و به بالا مشاهده گرديد.

بخش قابل‌توجهي از جامعة نمونه ، خود را خيلي مذهبي ذكر كردند و داراي گرايشات قدرگرايي بالايي بودند . اين متغيرها، داراي رابطة معني‌داري بين ميزان مذهبي بودن و رفتار نوع‌دوستانه بوده، ولي تحليل داده ها اين رابطه را در حد متوسط نشان داد . تقديرگراها مشاركت حمايتي پايييني از خود نشان دادند. متغير «آگاهي از مشكلات اقتصادي مردم» رابطة معني‌دار و بالايي با رفتار حمايتي آشكار ساخت. مشاركت انجمني در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كل جامعة نمونه، پايين و ارتباط آن ضعيف، ولي مثبت مشاهده گرديد.

اكثريت اعتقاد داشتند كه سازمان هاي حمايتي فعال در جامعه قادر نيستند نيازهاي افراد نيازمند را تحت پوشش قرار دهند در مقابل، كمك‌هاي خودشان به ديگران را در رفع مشكلات آن‌ها موثر مي‌دانستند. رابطة اين باورها با مشاركت حمايتي معني‌دار و نسبتاً قوي مشاهده گرديد.

موقعيت‌ها و وقايع خاص (مانند سوگواري، مسافرت، عيد)، كه نقش بلاواسطه اي در تحريك احساسات افراد دارند، رابطة معني دار، مثبت و قابل ملاحظه اي با رفتارهاي حمايتي معلوم ساختند. تحليل داده ها تاثير تفاوت هاي منطقه اي را با توجه به ميزان توسعه يافتگي آن‌ها مهم نشان داد. همچنين يافته‌ها جهت عام‌گرايانة رفتارهاي حمايتي را با درجة توسعه يافتگي مناطق مورد تاييد قرار داد. با توجه به اين‌كه تفاوت‌هاي منطقه اي بيشتر بين مناطقِ بيشتر توسعه يافته (مثل تهران) و مناطقي بود كه از نظر ميزان توسعه يافتگي در رتبة بعدي قرار دارند، در بين گروه اخير اين تفاوت‌ها اندك بوده است، لذا مي توان گفت هرچند در بين مناطق مورد بررسي، رفتارهاي حمايتي گرايش به عام‌گرايي دارد، ولي گرايش خاص‌گرايي در جمعيت نمونه نيز قابل توجه است. به علاوه، با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

توجه به نقش باورهاي قدرگرايي و انگيزه هاي مذهبي، كه بخشي از آن‌ها در اعتقاد به نذر و نياز انعكاس پيدا مي كند، مي‌توان گفت كه رضايت جانشيني مبتني بر ايثار و فداكاري هنوز در جامعة آماري مورد مطالعه نقش قابل ملاحظه اي در كمك‌هاي نوع‌دوستانه ايفا مي‌كند.

در مجموع متغيرهاي مورد بررسي، حد قابل قبولي از تغييرات را در رفتار حمايتي افراد نمونه پيش‌بيني كردند، بدين معني ك ه با تغيير آن‌ها مي‌توان تا حد قابل ملاحظه اي تغيير در رفتار كمك‌رساني و نوع‌دوستانه را شاهد بود. با توجه به ميزان تاثير (مثبت) متغيرهاي مورد بررسي بر رفتار حمايتي، بيشترين ميزان تاثير به ترتيب به متغيرهاي «اعتقاد به موثر بودن كمك ها»، «آگاهي از مشكلات معي شتي مردم»، «توسعه‌يافتگي»، «وضعيت اقتصادي»، «عدم توان پوشش سازمان هاي حمايتي»، «موقعيت‌ها و وقايع»، «ميزان اعتماد به ديگران (در نياز به كمك)» تعلق داشت. هر چند ضريب بتا در مورد متغير سن و تأهل قابل توجه است ولي داراي رابطة منفي با مشاركت حمايتي است. بقية متغيرها در رتب ة بعدي قرار داشتند و ت أثير چندان زيادي را بر مشاركت حمايتي جمعيت نمونه نمايان نساختند.

اگر بخواهيم با توجه به يافته هاي تحقيق به يك

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جمع‌بندي در مورد رفتارهاي حمايتي برسيم بايستي گفت كه زن يا مرد بودن، جوان يا پير بودن، متأهل و مجرد بودن و شغل خاصي داشتن در بروز اين رفتارها هر چند بي تاثير نيستند ولي نقش خيلي قاطعي را ايفا نمي كنند. اگر افراد از شرايط فقر و نيازمندي افراد ديگر آگاه و مطمئن باشند و به اين نتيجه برسند كمك هاي آن‌ها مي‌تواند در حل مشكلات هم نوعان تاثيري داشته باشد، به ويژه در موقع يتهايي قرار گيرند كه عواطف آن‌ها بيشتر متاثر شود، در صورتي كه امكان عيني كمك داشته باشند به ديگران كمك خواهند كرد.

رفتارهاي حمايتي ممكن است ريشة فطري ، رواني، اجتماعي يا بيواجتماعي داشته باشد، با اين وصف، به نظر مي رسد انگيزه هاي نوع دوستانه با خصايص ايثارگرانه و خالصانه نقش مهمي در بروز اين نوع رفتارها دارند و در مناطق توسعه يافته‌تر بروز اين رفتارها تا حد زيادي در راستاي همدلي با همنوعان و با انگيزه هاي كمك به انسان ـ به مفهوم عام (نه انسان همكيش، خويشاوند و هم‌قوم و امثالهم) ـ صورت مي‌گيرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

1. چلبی، مسعود . (1375)، **جامعه‌شناسی نظم** ، تهران، نشر نی.
2. رجبزاده احمد. (1377)، **حیات دیني خانوار در شهر تهران**، نامه پژوهش، سال دوم، شماره 7 و 8..
3. رفیع‌پور، فرامرز . (1368)، **سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهادسازندگي : پژوهشي در استان‌هاي اصفهان، فارس و یزد، مرکز مطالعات روستایي**، تهران، وزارت جهاد سازندگي.
4. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربي . (1375)، **سطح‌بندي استان‌هاي‌کشور در سال 1375 و مقایسه آن با نتایج سطح بندي سال هاي 1372، 1367-1355**، معاونت هماهنگي و برنامه ریزي، نشریه شماره 211.
5. سراج‌زاده، سیدحسین. (1377)، **نگرش‌ها و رفتار دیني نوجوانان تهراني** ، نامه پژوهش، سال دوم، شماره 7 و 8.
6. شکوري، علي. (1382)، **بررسي زمینه هاي مشارکت مردمي در جلب هدایا** ، تهران، معاونت برنامه‌ریزي و امور مجلس کمیتة امام خمیني.
7. طالبان محمدرضا. (1377)، **سنجش دینداري جوانان**، نامه پژوهش. سال دوم، شماره 7و8..
8. کمیته امداد امام خمیني . (83-1370)، **گزارش آماري، کمیتة امداد امام خمیني** ، تهران، معاونت برنامه ریزي و امور مجلس کمیته امداد امام خمیني.
9. کمیته امداد امام خمیني . (1381)، **خط مشي‌هاي اساسي برنامة پنج سالة کمیتة امداد امام خمیني**، تهران، معاونت برنامه ریزي و امور مجلس کمیته امداد امام خمیني.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

10. محسني تبريزي، علي‌رضا و موسوي نژاد سيدابراهيم. (1370)، **بررسي زمينه‌هاي مشاركتي روستاييان در ارتباط با نظام آموزش و ترويج كشاورزي**، تهران، معاونت ترويج و مشاركت هاي مردمي، وزارت جهاد سازندگي.
11. مركز آمار ايران. (1361، 1367، 1379، 1380)، **نتايج تفصيلي آمارگيري از هزينه و درآمد خانوارهاي روستايي**.
12. معاونت پژوهشي و برنامه ريزي كميته امداد. (1373)، **بررسي تأثير حمايت‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي كميته امداد امام خميني (ره) بر عزت نفس فرزندان تحت پوشش**، تهران، انتشارات كميته امداد.
13. موسوی، مينو. (1380)، **آكسفام بزرگ ترين سازمان غيردولتی جهان**، تهران، مجلّه شهرداری‌ها، شماره 16.
14. نادري، سيف نراقي. (1370)، **اختلالات رفتاري كودكان**، تهران، دفتر تحقيقات و انتشارات.
15. نخجواني، سيداحمد. (1381)، **رفاه اقتصادي خانوارهاي كشور**، فصلنامه رفاه اجتماعي، سال دوم، شماره 6. تهران، دانشگاه علوم بهزيستي و توان‌بخشي.
16. نمازی، محمّدباقر. (1380)، **بررسی وضع موجود تشكل‌های غيردولتی ايران**، *مجموعه مقالات نقش و جايگاه NGO در عرصه فعاليت ملّی و بين‌المللّی*، تهران، دفتر تحقيقات سياسی وزارت كشور.
17. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي. (1383)، **رفتارهاي فرهنگي ايرانيان**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

18. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي . (1383)، **سنجش مفاهيم اساسي علوم اجتماعي** ، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

19. Baron and Byrne. (1987), **"Social Psychology and Human Interaction"**, 5th edition, New York: Harper.

20. Blau, P. (1961), **"Exchange and Power in Social Life"**. New Brunswick, NJ: Transaction Publications.

21. Campell, D.T. (1988), **"Social Attitudes and Other Acquired Behavioral Dispositions"**. in S. Koch (ed.), Psychology, A Study of A science, NewYork, McGraw- Hill.

22. Dekker, P. and E.M. Uslaner. (2001), **"Social Capital and Participation"**. New York: Rutledge.

23. Elster, J. (1990), **"The Cement of Society: A Study of Social Order"**. Cambridge: Cambridge University Press.

24. Fishbein & Ajzen. (1975), **"Belief, Attitute, Intention and Behavuiour: An Introduction to Theory and Research"**. London: Addison-Welley.

25. Kaplan-Sadock. (1990), **"Clinical Psychiatry"**. one Edition.

26. Miller, D. (1992), **"Community and Citizenship"**. in A. Shloma, Communitarianism and Individualism, Oxford: Oxford University Press.

27. Miller, D.C. (1980), **"Handbook of Research Designs and Social Measurement"**. (2nd eds), New York: Mckuy.

28. Monroe, J. D. (1991), **"Explaining Differences Between Rational Actors and Alturisim through Cognitive Frameworks"**. Journal of Politics, vol. 53, no 2.

29. Myers, D. (1988), **"Social Psychology"**. New York: Harper.

30. Page, R. (1996), **"Altruism and the British Welfare State"**. Aldershot: Avebury.

31. Rahnema Majid. (1999), **"Participation in the Development Dictionary"**. Ed by Wolf Gang Sachs. London : Zed book Ltd.

32. Shuessler, K., and Freshnock, L. (1978), **"Measuring Attitutes Towards**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

Self and Others in Society: State of the Art". social Forces, no. 56.

33. Sills, David. L. (1957), **"The Volunteers"**. Glenco, III. The Free Press.
34. Wuthnow, R. (1991), **"Acts of Compassion, Caring for Others and Helping Ourselves"**. Princeton: Princeton University Press.
35. Zokaei, S. (1999), **"Altruism and Citizenship"**. (PhD Thesis), University of Sheffield, UK.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]